

## روشهای تربیت کودک تا هفتسالگی در اندیشه امام علی (علیه السلام)

غلامحسین رضایت \*

فاطمه رضایت \*\*

دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۱۴

پذیرش نهایی: ۹۴/۹/۴

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی روشهای تربیت کودک تا هفتسالگی در اندیشه امام علی(ع) بود. در راستای دستیابی به این هدف یک سؤال کلی و دو سؤال فرعی طراحی شد. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که برای تحلیل داده‌های تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شد. مواد و محتوای این تحقیق کتابهای ارزشمند نهج‌البلاغه و غررالحکم بود. در این مقاله ابتدا مفهوم تربیت و روشهای تربیت، تبیین، و سپس در پاسخ به سؤال اول روشهای تربیتی بر مبنای دیدگاه امام علی(ع) با استفاده از روش تحلیل محتوا استخراج شد. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که روشهای تربیتی در اندیشه امام علی(ع) شامل یازده روش، الگوسازی، محبت، امر به معروف و نهی از منکر، پند و اندرز، داستان، عادت دادن، تشویق، تنبیه، استفاده از مثل، دعا و نیایش و جهاد بود. در ادامه و در پاسخ سؤال دوم، که روشهای تربیتی مناسب برای کودک تا هفتسالگی کدام است، روش تربیت از طریق جهاد حذف شد که متناسب با وضع کودک تا هفتسالگی نیست.

**کلید واژه‌ها:** روشهای تربیت، روشهای تربیت از نظر امام علی (ع)، تربیت اسلامی.

## مقدمه

تربیت، فراهم آوردن محیط و زمینه‌های مناسب شناخت، رشد و شکوفاسازی استعدادها و تواناییهای افراد است. شهید مطهری (۱۳۸۵) در این زمینه می‌نویسد: تربیت به فعلیت درآوردن و پروردن استعدادهای درونی (بالقوه) موجود در یک شیء است؛ لذا یکی از مباحث مورد توجه ادیان و مکاتب الهی، که رسالت خود را انسان‌سازی اعلام کرده‌اند، مسئله تربیت انسان است. اسلام نیز به‌عنوان دین کامل از این قاعده مستثنی نیست و اهمیت زیادی برای تربیت قائل شده است. در همین راستا بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: اساس عالم بر تربیت انسان است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۴: ۱۵۳).

با توجه به این دیدگاه، که برگرفته از مکتب انسان‌ساز اسلام است، تربیت از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان، و از پیچیده‌ترین نیازهای زندگی بشر است که تحقق اهداف آفرینش و دستیابی انسان به سعادت مطلوب تنها از طریق آن محقق و میسر خواهد شد و تنها در پرتو تربیت صحیح است که انسان به‌عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمانهای خود دست می‌یابد.

یکی از احادیثی که در مسیر تربیت، راهنمای برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت اسلامی قرار گرفته، این حدیث گهربار نبوی است که نبی مکرم اسلام (ص) در آن به سه مقطع سنی تربیت کودک اشاره و می‌فرمایند: *الْوَالِدُ سَبْعُ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعُ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعُ سِنِينَ*: فرزند، هفت سال مولا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است.

این حدیث، گرچه به ظاهر کوتاه است، گنجینه‌ای ارزشمند از آموزه‌های الهی و دستورالعمل کامل تربیت افراد و روشنگر مسیر حرکت تربیت است که از یک سو، بیانگر حالات و وضعیت روحی و روانی متفاوت در سنین مختلف است و از طرفی، راهنما و دستورالعمل انتخاب روشهای تربیتی مناسب برای این سنین است. به تعبیر رسول گرامی اسلام دوره اول یعنی تا هفت‌سالگی، دوره سیادت و سروری کودک است. هفت سال دوم، سن تعلیم‌پذیری، اطاعت و فرمانبرداری کودک، و هفت سال سوم، و یا به تعبیری دوران نوجوانی، سن نظرخواهی و مشورت با کودک است.

آنچه از این حدیث می‌توان برای تربیت نتیجه گرفت این است که هر یک از این دوره‌ها و

مقاطع سنی به‌عنوان یک مرحله/ مقطع تربیتی به شمار می‌رود که ویژگیها و اقتضانات تربیتی خاص خود را دارد. بررسی تعاریف تربیت، نشان می‌دهد یکی از اساسی‌ترین ویژگیهای تربیت، روشمندی آن است؛ لذا یکی از محورهای اصلی تربیت، انتخاب روشها و راهکارهایی است که دستیابی به اهداف تربیت و زمینه‌های موفقیت را میسر می‌سازد.

### بیان مسئله

روشهای تربیتی، شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربیان و برنامه‌ریزان تربیتی از آنها به منظور دستیابی به اهداف تربیتی بهره می‌گیرند. در واقع، روشهای تربیتی، مظهر و نمود بارز کار تربیت است. بخش اعظم موفقیت مربیان و نظامهای تربیتی در گروهی انتخاب روشهای صحیح تربیتی است که آنان را در دستیابی به اهداف تربیتی، راهنمایی و هدایت می‌کند. یکی از منابع ارزشمندی که می‌توان برای استخراج روشهای تربیتی به آن استناد کرد، اندیشه‌ها و سیره تربیتی معصومین (ع) است که از گوهر عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه برخوردارند. در این میان اندیشه‌های مولای متقیان، امیرالمؤمنین علی (ع)، که سرسلسله جانشینان به‌حق نبوی و سرآغاز تجلیگاه امامت معصومین (ع) و نخستین تشکیل‌دهنده حکومت اسلامی حقیقی است از باارزشترین منابع این زمینه به شمار می‌رود؛ لذا در این مقاله بر آن شدیم تا با استفاده از این منبع ارزشمند ابتدا به بررسی و شناسایی روشهای تربیتی در اندیشه امام علی (ع) و سپس روشهای تربیتی مناسب برای کودک تا هفت سالگی در اندیشه امام علی (ع) بپردازیم. با توجه به این توضیحات مسئله پژوهش این است که روشهای تربیتی مناسب کودک تا هفت سالگی در اندیشه امام علی (ع) کدام است.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

#### مفهوم تربیت

راغب اصفهانی، تربیت را از نظر لغوی این‌گونه تعریف می‌کند: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (۱۳۷۴: ۳۳۶): رب در اصل، تربیت است و تربیت یعنی ایجاد شیء بتدریج از حالتی به حالت دیگر تا به حد تمام برسد. در اصطلاح برای تربیت، تعاریف متعددی توسط صاحب‌نظران این حوزه ارائه شده که در جدول شماره (۱) به برخی از آنها اشاره

شده است.

جدول ۱: برخی از تعاریف تربیت

تعریف تربیت	سال	محقق
تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را باز می‌یابد (ج ۱: ۵۳).	۱۳۸۰	خامنه‌ای، به نقل از بانکی پور فرد و قماشچی
تربیت، انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت است تا بتواند استعدادهاى نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به‌طور هماهنگ پرورش دهد. شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند.	۱۳۸۱	امینی
تربیت اسلامی یعنی شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر	۱۳۸۲	باقری
تربیت، پرورش دادن است؛ یعنی استعدادهاى درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن (ص ۴۳).	۱۳۸۵	مطهری
تربیت، پرورش و به فعلیت درآوردن استعدادهاى درونی و شکوفا کردن و به ثمر رسانیدن آنها است (ص ۳۵).	۱۳۸۵	حیدری نراقی
مفهوم و واژه تربیت بر پرورش استعدادهاى انسان یعنی فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهاى آدمی دلالت می‌کند.	۱۳۸۶	ابوطالبی
تربیت بر پرورش استعدادهاى انسان یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعداد آدمی دلالت می‌کند.	۱۳۸۸	دلشاد تهرانی
تربیت کودک یعنی شکوفا کردن استعدادها و برآوردن نیازهای او	۱۳۸۸	صفایی حائری
تربیت فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهاى او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد.	۱۳۹۱	اعرافى و موسوی
تربیت فرایندی است هدفدار، منظم و مستمر که هدف آن کمک به افراد برای شناخت و اکتشاف تمامی ابعاد و ویژگیهای شخصیتی خویش از جمله تواناییهای معرفتی و عقلانی، جسمی، روحی و روانی، اخلاقی و اجتماعی همچنین رشد و شکوفا ساختن استعدادها و توانایی‌های فردی خویش است.	۱۳۹۲	رضایت

تعریف تربیت در این پژوهش: تربیت فرایندی است هدفدار، منظم و مستمر که هدف آن شناسایی و اکتشاف استعدادها و تواناییهای فرد و رشد و شکوفا نمودن آنها است.

### مفهوم روش

روش، اسم مصدر از ریشه راه است. بنابراین به نوعی راه و شیوه، که قاعده مند و سنت شده، و قابل پیروی باشد، روش گفته می شود. روش به طور معمول برای مسیرهای غیرمادی به کار می رود (دهخدا، ۱۳۷۷).

### مفهوم روش تربیت

روشهای تربیت، شیوهها و رفتارهایی است که مریبان و برنامه ریزان تربیتی به منظور تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می بندند. بهشتی (۱۳۸۸) در تعریف روشهای تربیت می نویسد: مقصود از روشهای تربیت، دستورالعملهای جزئی و فنون کاربردی و رفتارهای عملی است که اصول و اهداف تعلیم و تربیت را به ثمر می رساند و به آنها عینیت می بخشد. بنابراین، روشهای تربیت، بخش عملی و کاربردی فرایند تربیت را بر عهده دارد. با توجه به این تعاریف، روشهای تربیتی در این مقاله، شیوهها و رفتارهایی است که راه رسیدن به اهداف تربیتی را در اندیشه امام علی (ع) ارائه می کند. لازم به ذکر است منظور از تربیت در این مقاله، مفهوم عام آن، اعم از تربیت توسط دیگران و خودتربیتی است؛ لذا روشها دربردارنده هر دو رویکرد است.

### پیشینه پژوهش

بررسی اجمالی پیشینه تحقیق نشان می دهد صاحب نظران تعلیم و تربیت، روشهای تربیتی متعددی را مطرح و ارائه کرده اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

احمدی (۱۳۸۴) در اثر خود تحت عنوان اصول و روشهای تربیت در اسلام، چهارده روش برای تربیت شامل ایجاد زمینه سالم تربیتی، روش داشتن اسوه و سرمشق برای تربیت، روش تمرین، تکرار و عادت دادن، روش تعلیم و تعلم، روش مشاهده، تجربه و تعقل، روش موعظه، نصیحت و امر به معروف، روش انذار، نهی از منکر و مبارزه با انحرافات، روش برقراری ثواب و عقاب برای اعمال، روش ایجاد محیط مساعد تربیتی، روش بیان داستان پیامبران و سرگذشت ملتها، روش ذکر ضرب المثلها و تشبیه معقول به محسوس، روش دعا و نیایش، روش توبه و بازگشت، روش برقراری نظام اسلامی برای اجرا و تداوم تربیت را برمی شمارد.

دلشاد تهرانی (۱۳۸۷) در اثر خود تحت عنوان روشهای تربیت در نهج البلاغه، هشت روش برای تربیت شامل محبت، تذکر، عبرت، موعظه، توبه، امتحان، مراقبه و محاسبه، تشویق و تنبیه را برمی شمارد.

فولادگر (۱۳۷۹) در اثر خود تحت عنوان تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، دوازده روش شامل امر به معروف و نهی از منکر، موعظه و انذار، تشویق و توبیخ یا پاداش و تنبیه، تبشیر و انذار، حکمت، تمرین و تعوید (عادت دادن)، جهاد، اشتغال به کار، دعا و نیایش، استفاده از مثل، استفاده از داستان، توبه را برای تربیت برمی شمارد.

رمضانی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان روشهای تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه به شش روش شامل روشهای الگویی، پیشگیری، عبرت آموزی، تشویق، تنبیه، تعلیم اشاره می کند.

اناری نژاد (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، پنج روش را شامل الگو، موعظه و نصیحت، عبرت آموزی، نظارت و مراقبت، تشویق و تنبیه برای تربیت بیان می کند.

سلطانی رنانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان روشهای تربیتی در پرتو نهج البلاغه، شش روش را شامل، الگوبرداری، پیشگیری و کنترل، موعظه و تذکر، محبت و مدارا، عفو و تغافل، تنبیه و تشویق برای تربیت برمی شمارد.

#### عوامل مؤثر بر انتخاب روش تربیتی

انتخاب روشهای تربیتی مناسب در تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی نقشی جدی و اساسی دارد. گاه روشی برای یک انسان، تربیت، و برای دیگری ضد تربیت می شود. عوامل مختلفی از جمله مبانی، اصول و اهداف تربیتی، رویکردهای تربیتی، ویژگیهای متربی (شامل جنس، سن) زمان، مکان، ویژگیها و اوضاع محیطی و... بر انتخاب روشهای تربیتی مؤثر است؛ لذا در انتخاب روشهای تربیتی باید به این عوامل توجه لازم صورت گیرد. هم چنین از آنجاکه اهداف تربیتی متفاوت، نیازمند روشهای تربیتی مختلفی است، انتخاب روش تربیتی مناسب می تواند نقشی جدی و اساسی در دستیابی به اهداف تربیتی ایفا کند.

## روش پژوهش

در یک طبقه‌بندی کلی، این پژوهش، بنیادی و از نوع پژوهشهای کیفی، و بر مبنای ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق کتابهای ارزشمند نهج البلاغه و غررالحکم بود. برای گردآوری داده‌های تحقیق از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل آنها از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

از دیدگاه روش‌شناسی، تحلیل محتوا یکی از روشهای پژوهش کیفی برای درک، تفسیر و مفهوم‌سازی درونی داده‌های کیفی است. صاحب‌نظران حوزه روش‌شناسی، مراحل متفاوتی را برای تحلیل محتوا ارائه کرده‌اند که مهمترین آنها مقوله‌بندی داده‌های پژوهش است. مایرینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) در تحلیل محتوای کیفی برای مقوله‌بندی داده‌ها دو شیوه «به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها»<sup>۲</sup> و «تکوین استقرایی مقوله‌ها»<sup>۳</sup> را مطرح می‌کند. در شیوه «به‌کارگیری قیاسی»، مقوله‌ها بر اساس چارچوب نظری مشخصی از قبل تدوین می‌شود؛ اما در شیوه «تکوین استقرایی مقوله‌ها» هیچ چارچوب نظری و فکر از پیش تعیین‌شده‌ای برای تدوین مقوله‌ها نیست و مقوله‌ها اکتشافی و گام‌به‌گام استخراج می‌شود.

در این تحقیق، پژوهشگر با استفاده از رویکرد مقایسه‌ای مستمر، که پیوسته به تفکر استقرایی و تفکر قیاسی می‌پردازد، ابتدا مقوله‌ها (روشهای تربیتی) را با استفاده از روش استقرایی از منابع تحقیق شامل کتابهای ارزشمند نهج البلاغه و غررالحکم استخراج می‌کند (تفکر استقرایی) و در ادامه، مقوله‌های (روشهای تربیتی) را با پیشینه پژوهش مقایسه (تفکر قیاسی)، و در نهایت با استفاده از نتایج رویکرد مقایسه‌ای، مقوله‌ها (روشهای تربیتی) را نامگذاری می‌کند.

## سؤالات تحقیق

سؤال ۱) روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) کدام است؟

سؤال ۲) روشهای تربیتی مناسب در اندیشه امام علی (ع) برای کودک تا هفت سال کدام

است؟

1 - Mayring

2 - Deductive category application

3 - Inductive category development

## یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای منابع تحقیق نشان داد که روشهای تربیتی مورد نظر در اندیشه امام علی(ع) شامل ده روش، تربیت از طریق الگوسازی، تربیت از طریق محبت، تربیت از طریق امر به معروف و نهی از منکر، تربیت از طریق پند و اندرز، تربیت از طریق داستانسرای، تربیت از طریق عادت دادن، تربیت از طریق تشویق، تربیت از طریق تنبیه، تربیت از طریق استفاده از مثل، تربیت از طریق دعا و نیایش به این شرح است.

### ۱ - تربیت از طریق الگوسازی

از دیدگاه امام علی(ع) تأسی از الگوها و اسوه‌های حسنه، نقش مهمی در تربیت انسانها ایفا می‌کند. در همین زمینه امام علی(ع) می‌فرماید: «وَاقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَاسْتَنْوَا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ». «از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که بهترین راهنمای هدایت است و رفتارشان را با روش پیامبر تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روشهاست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰: ۲۱۰).

هم‌چنین امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَافٍ لِكُلِّ فِي الْأُسْوَةِ... فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَةَ لِمَنْ تَأَسَّى وَغَزَاءَ لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَالْمُقْتَصِّ لَأَثَرِهِ»: «برای تو کافی است که از راه و رسم زندگی پیامبر اسلام(ص) اطاعت نمایی... پس به پیامبر(ص) پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد. محبوبترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰: ۳۰۰-۲۹۸).

آن حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «انظروا أهل بيت نبیکم فالزموا سمنهم و اتبعوا أثرهم فلن یرجوکم من هدی و کن یرعیدوکم فی ردی فإن لبدوا فالبدوا و إن نهضوا فانهضوا و لا تسبقوهم فتصلوا و لا تتأخروا عنهم فتهلکوا»: «مردم به اهل بیت پیامبرتان(ص) بنگرید؛ از آن سو که گام برمی‌دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید. آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب‌نمانید که نابود می‌گردید» (نهج البلاغه،



خطبه ۹۷: ۱۸۰).

باز آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»: کسی که خود را رهبر مردم قرارداد، باید پیش از اینکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد، و پیش از اینکه به گفتار تربیت کند با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از اینکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳: ۶۳۸). امیرمؤمنان علی (ع) در همین زمینه، خود نمونه‌ای والا در تربیت عملی بود و هرگز مردمان را به چیزی دعوت نکرد مگر اینکه خود سخت بدان پایبند بود و هرگز آنان را از چیزی دور نساخت مگر اینکه خود بیش از همه از آن پرهیز داشت. آن حضرت در توصیف این شأن خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَخْتَكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا»: ای مردم سوگند به خدا، من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر اینکه پیش از آن، خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز اینکه پیش از آن، ترک گفته‌ام» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵: ۳۳۲).

آن حضرت در جای دیگر از تأسی و اقتدای خویش به نبی مکرم اسلام (ص) سخن می‌گوید: «وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرَأُمَهُ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَ يَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ»: «و من همواره با پیامبر بودم، آن گونه که بچه شتر در پی مادر است. پیامبر هرروز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۳۹۸).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) الگوسازی است. تحلیل محتوای این کلام حضرت که می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»، نشان می‌دهد که هر انسان شایسته‌ای می‌تواند به عنوان الگو مطرح باشد. هر چه اسوه و الگوی مورد نظر کاملتر باشد، آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب، بیشتر یاری می‌رساند؛ لذا آن حضرت نیز با تمامی مقام و مرتبتی که داشت می‌فرمود، من همواره با پیامبر (ص) بودم آن گونه که بچه شتر در پی مادر است. پیامبر هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا کنم.

## ۲ - تربیت از طریق محبت

از دیدگاه امام علی(ع) یکی از اساسی‌ترین روشهای تربیت محبت است. نیروی محبت در تربیت، نیرویی برانگیزاننده و تحول‌آفرین است و اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود، در تحقق تربیت کمالی تأثیری شگرف دارد. اولیای خداوند، محبت را بهترین بستر تربیت می‌دانستند و آن را محور تربیت قرار می‌دادند. به همین دلیل است که پیامبر(ص) از سر قاعده لطف، اجر و مزد رسالت خود را چیزی جز محبت اهل بیت خود نمی‌خواهد؛ چرا که این محبت اجر و مزدی برای رسالت پیامبر(ص) نیست، بلکه ابزار و روش انسان‌سازی و تربیت انسانهای مؤمن است. امام علی(ع) از این شیوه در حد اعلی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کرد؛ از جمله آن‌گاه که خطاب به امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي، بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي، وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي، فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَغْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي، فَكُنْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا، مُسْتَظْهِرًا بِهِ إِنَّ أُنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ فَنَيْتُ»: «فرزندم! تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی؛ آن‌گونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است؛ پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد؛ من زنده باشم یا نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۱۸).

آن امام همام در تربیت افراد جامعه نیز به اصل تألیف قلوب و محبت و مدارا بسیار توجه، و بر گرفتن آن تأکید می‌فرمود: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيئَةُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ»: «دل‌های مردم‌گریزان است؛ به کسی روی آورند که خوشرویی کند» (نهج البلاغه، حکمت ۵۰: ۶۳۴).

از این رو این روش مورد عنایت امام علی(ع) قرار گرفته است. محبت را چنین عاملی معرفی کرده است: «الْمَوَدَّةُ قَرَابَةٌ مُسْتَفَادَةٌ»: «و دوستی نوعی خویشاوندی به‌دست آمده است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱: ۶۷۴).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی(ع) محبت است. انسان به هرچه محبت پیدا کند بدو متمایل می‌شود و رنگ و بو و حال و هوای آن را می‌گیرد. بنابراین محبت، کارسازترین روش در اصطلاح آدمی و متصف کردن مرتبی به صفات نیکوی انسانی است، آنچه آدمیان را به هم پیوند می‌دهد و زمینه تربیت مطلوب را فراهم می‌سازد، محبت است.

## ۳- تربیت از طریق موعظه، پند و اندرز

از دیدگاه امام علی (ع) یکی از روشهای تربیت، موعظه و پند و اندرز است. یکی از وجوه برجسته تربیت مریبان الهی، فراهم کردن زمینه بازدارندگی از پلیدیها و گروندگی به نیکیهها با موعظه بوده است. امیرمؤمنان علی (ع) درباره رسالت پیامبر و روشهای آن حضرت در تربیت فرموده است: «بَعَثَهُ وَ النَّاسُ ضَلَالٌ فِي حَيْرَةٍ وَ حَاطِيُونَ فِي فِتْنَةٍ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَرْكَبَتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَحَفَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ قَبَالَغَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»: «خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند؛ در فتنه‌ها به سر می‌بردند؛ هوی و هوس بر آنها چیره شده، و خودبزرگ‌بینی و تکبر به لغزشهای فراوانشان کشانده بود و نادانیهای جاهلیت، پست و خوارشان کرده بود و در زندگی، حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی دامگیرشان بود؛ پس پیامبر (ص) در نصیحت و خیرخواهی، نهایت تلاش را کرد و آنان را به راه راست راهنمایی، و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود» (نهج البلاغه، خطبه ۹۵: ۱۷۸).

«أَرْسَلَهُ بِحُجَّةٍ كَافِيَةٍ وَ مَوْعِظَةٍ شَافِيَةٍ وَ دَعْوَةٍ مُتَلَقِّئَةٍ أَظْهَرَ بِهِنَّ الشَّرَائِعَ الْمَجْهُولَةَ وَ قَمَعَ بِهِنَّ الْبِدْعَ الْمُدْحُوْلَةَ وَ بَيَّنَّ بِهِنَّ الْأَحْكَامَ الْمَفْصُولَةَ»: «خدا او را با برهانی کامل و کافی - قرآن - و پندهای شفافبخش، و دعوتی جبران‌کننده فرستاد. با فرستادن پیامبر (ص) شریعت‌های ناشناخته را شناساند و ریشه بدعت‌های راه‌یافته در ادیان آسمانی را قطع کرد و احکام و مقررات الهی را بیان فرمود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱: ۳۰۲).

از طرفی دیگر موعظه برای نفس ضرورت دارد؛ زیرا در نفس انسان پاره‌ای از انگیزه‌های فطری وجود دارد که همیشه به ارشاد نیاز دارد و این کار میسر نمی‌شود جز با موعظه و پند و اندرز. «أَحْيَ قَلْبُكَ بِالْمَوْعِظَةِ»: «دلت را با اندرز نیکو، زنده کن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۰). با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) تربیت از طریق موعظه و پند و اندرز است. استعدادی در جان آدمی است که تحت تأثیر سخن و موعظه قرار می‌گیرد. البته این استعداد موقتی است؛ لذا موعظه و پند و اندرز باید تکرار شود. پند و اندرزی که مستقیم از ضمیر باطن و وجدان، راه خود را به جان انسان باز کند، آن را سخت به جنبش می‌آورد و نهفته‌هایش را برمی‌انگیزد.

## ۴ - تربیت از طریق داستان

قصه (داستان) به دلیل توانایی تبیین مفاهیم بلند علمی و تبدیل مفاهیم انتزاعی و پیچیده به مفاهیم و نمونه‌های عینی، امکان درک و فهم بیشتری را برای عامه مردم بویژه کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند؛ به همین دلیل مورد علاقه انسانها بخصوص کودکان و نوجوانان است و در تربیت غیرمستقیم و رشد و تکوین شخصیت آنان نقش مهم و سازنده‌ای ایفا می‌کند. مثال بارز این موضوع بیان خداوند متعال برای اثبات وجود خود در داستان حضرت ابراهیم(ع) است که به‌جای آوردن برهان کلامی، این موضوع را در قالب زبانی ساده و شیرین قصه و مثال مطرح کرده است. قصه باعث پرورش قدرت تخیل، تفکر و خلاقیت و ابتکار در کودکان و نوجوانان می‌شود و آنان را برای درک و فهم مسائل و مشکلات پیچیده زندگی و رویارویی با آنها، هم‌چنین معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و امکان تربیت همه‌جانبه کودک را در زمینه‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی و آشنایی با علتها و عوامل ظهور و سقوط اقوام و تمدنها و عبرت‌آموزی از سرگذشت آنها، هم‌چنین سرگذشت برخی پیامبران گذشته را فراهم می‌آورد. در همین زمینه حسینی (۱۳۷۹) معتقد است: قصه وسیله انتقال میراث‌های فرهنگی و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر است. با قصه نه تنها می‌توان، انسان را با میراث فرهنگی و آداب جامعه خود و جهان آشنا ساخت و قدرت تفکر او را پرورش داد، بلکه می‌توان زمینه خودسازی و جامعه‌سازی را در او برانگیخت.

استاد شهید مطهری (۱۳۸۰) در همین زمینه در مقدمه کتاب داستان راستان می‌نویسد: «داستانها علاوه بر اینکه عملاً می‌تواند، راهنمای اخلاقی و اجتماعی سودمندی باشد، معرف روح تعلیمات اسلامی نیز هست و خواننده از این رهگذر به حقیقت و روح تعلیمات اسلامی آشنا می‌شود و می‌تواند، خود، محیط و جامعه خود را با این مقیاسها اندازه بگیرد» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸).

به دلیل این ویژگیها و نقش سازنده‌ای که قصه (داستان) در تربیت و شکل‌گیری شخصیت انسانها ایفا می‌کند، خداوند متعال نیز به منظور تکامل و تعالی بشر در ابعاد مختلف از این قالب هنری به بهترین وجه ممکن استفاده کرده است. وجود حجم نسبتاً زیاد «قصه» در قرآن (تقریباً یک‌چهارم آیات قرآن) نشان می‌دهد که مکتب اسلام به منظور تربیت انسان از قصه به بهترین وجه استفاده نموده است

جوادی آملی (۱۳۷۲) در این زمینه می‌فرماید: خداوند عالم خودش را بهترین قصه‌پرداز

معرفی، و می‌فرماید: «نَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (یوسف/۳): «ما زیباترین قصه‌ها را برای تو می‌گوییم» و در آیه دیگری می‌فرماید «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ...» (یوسف/۱۱۱): «براستی در داستان و سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است»؛ هم‌چنین در آیه دیگری می‌فرماید «فَأَقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف/۱۷۶): «پس ای پیامبر این داستان را [برای آنان] نقل کن؛ شاید آنان تفکر کنند». آیت‌الله سبحانی نیز در زمینهٔ نقش تربیتی قصه معتقد است: با توجه به اینکه نقش داستان در تربیت کودکان بسیار مهم است، باید از طریق داستانهای سازنده و قصه‌های کوتاه، کودکان را به بهترین روش تربیت کرد.

در همین زمینه امام علی (ع)، قرآن را بلیغ‌ترین موعظه‌کننده و احسن القصص برمی‌شمارد و می‌فرماید: «انَّ أَحْسَنَ الْقَصَصِ وَ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَ أَنْفَعَ التَّذَكُّرِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۴: ۳۵۲) «بهترین داستان و رساترین اندرز و سودمندترین پند، کتاب خدای عزوجل است». هم‌چنین آن حضرت در نامه ۳۱، که به منشور تربیتی آن حضرت مشهور است، خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «وَ اعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ وَ ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ فَانظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَ عَمَّا انْتَقَلُوا وَ أَيْنَ حَلُّوا وَ نَزَلُوا» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۰) «و آنچه بر سر پیشینیان آمده است به یادش آور. در دیار و آثار ویران رفتگان گردش کن و بیندیش که آنان چه کرده‌اند؛ از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمدند؟».

تحلیل محتوای این روایتها و منابع تحقیق نشان می‌دهد که یکی از روشهای تربیت از دیدگاه امام علی (ع) استفاده از قصه (داستان) است.

##### ۵ - تربیت از طریق تشویق

از دیدگاه امام علی (ع) تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و یکی از بهترین شیوه‌های تربیت است. در همین زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «وَ لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَذْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ الْأَرْزَمُ كُلُّهُ مِنْهُمْ مَا الْأَرْزَمُ نَفْسُهُ» «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند؛ پس هرکدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش‌ده» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۰).

تشویق عامل برانگیختن متری به‌سوی اهداف تربیت و نیز وسیله تقویت انسان در خیرها و ترغیب بیشتر و فراهم کردن نشاط لازم در متری برای ادامه راه است. امام علی (ع) درباره نقش

تشویق در برانگیختن احساسات فرد می‌فرماید: «وَاصِلٌ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذُؤُوبِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَعْمَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَتُحَرِّضُ النَّاَكِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ «همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد؛ ان‌شاءالله» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۴).

امام اعتقاد دارد که اثر تشویق فرد نیکوکار آن‌قدر زیاد است که می‌تواند در فرد خطاکار هم تأثیر بگذارد: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِرْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ»؛ «بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۷: ۶۶۶). البته هر تشویقی باید به‌اندازه باشد و از حد تجاوز نکند تا تأثیر منفی از خود برجای نگذارد و نقش رشد دهنده خود را ایفا سازد؛ چنانکه امیر مؤمنان علی (ع) بدین امر اشاره، و فرموده است: «الثَّنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ»؛ «ستودن بیش از آنچه سزاوار است، نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۷: ۷۱۰).

پاداش باید به طاعت شخص تعلق یابد تا او را بیشتر برانگیزد. «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ... حَيَاشَةَ لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ»؛ «همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، ... و به‌سوی بهشت کشاند.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۸: ۷۱۶).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) تربیت از طریق تشویق است. متربی از تحسین و تشویق لذت می‌برد. این از تمایلات فطری است که باید به بهترین شیوه و برای گرایش دادن به فعالیت‌های ارزشمند از آن استفاده کرد. تشویق زمینه تأیید متربی در جنبه‌ای است که او از آن احساس غرور می‌کند و به رفتارش تداوم می‌بخشد؛ اما نه به‌گونه‌ای که هرگاه که تأییدش کردند، فعالیتش را ادامه دهد و هرگاه از آن خودداری شد، او هم ترک عمل کند. بدون شک باید مراقب بود که تشویق صورت رشوه به خود نگیرد.

## ۶ - تربیت از طریق تنبیه

از دیدگاه امام علی (ع) یکی از روشهای تربیت، تنبیه است. با توجه به هیجانهای متربی از این روش می‌توان به‌منظور بازدارندگی و جلوگیری از بروز طغیان در متربی استفاده کرد.

حضرت در یکی از حکمت‌های نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَحَيَاشَةَ لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ»؛ «همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به‌سوی بهشت کشاند»

(نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸: ۷۱۶).

اصل در تربیت بر تشویق است؛ اما اگر تشویق و روشهای دیگر مؤثر واقع نشد، چاره‌ای جز تنبیه متربی نیست. امام نیز خود بعد از طی مراحل خاص از روش تنبیه استفاده می‌کرد؛ چنانکه حضرت خطاب به مردم کوفه می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ بَيَّسْتُ لَكُمْ الْمَوَاعِظَ الَّتِي وَعَظَ الْأَنْبِيَاءُ بِهَا أُمَّهَمُ وَ أَدَّبْتُ إِلَيْكُمْ مَا أَدَّتِ الْأَوْصِيَاءُ إِلَيَّ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ أَدَّبْتُكُمْ بِسَوْطِي فَلَمْ تَسْتَقِيمُوا وَ حَدَّوْتُكُمْ بِالزُّوْجِرِ فَلَمْ تَسْتَوْسِقُوا» (ای مردم! من پند و اندرزهایی را که پیامبران در میان امتهای خود مطرح کردند در میان شما نشر دادم و وظایفی را که جانشینان پیامبران گذشته در میان مردم خود به انجام رساندند، تحقق بخشیدم. با تازیانه شما را ادب کردم نپذیرفتید؛ به راه راست نرفتید و با هشدارهای فراوان، شما را خواندم ولی جمع نشدید) (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲: ۳۵۰).

البته باید توجه کرد که به کارگیری تنبیه هم به اندازه و در حد ضرورت صورت گیرد؛ چنانکه حضرت می‌فرماید: «الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ اللَّجَاجَةِ» (افراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزونتر می‌کند) (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۳).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) تربیت از طریق تنبیه است. شهید مطهری در این زمینه بیان می‌کند که «تنبیه عامل تربیت به مفهوم پرورش و رشد دادن نیست لکن از عواملی است که برای تربیت کودک باید از آن استفاده کرد؛ اما نه برای رشد دادن و پرورش استعدادهای عالی بلکه برای جلوگیری از رشد استعدادهای پست، جلوگیری از طغیان لازم است. نکته مهم در استفاده از تنبیه این است که کودک باید علت تنبیه را بداند؛ زیرا اگر نفهمد برای چه تنبیه می‌شود، روحش بکلی مشوش می‌گردد و اثر مطلوب را ندارد» (۱۳۸۵: ۴۶).

آنچه در تنبیه مورد نظر است، توجه به جنبه لغوی آن یعنی آگاه کردن و آگاهی دادن است، به عبارت دیگر هدف این است که متربی را به خطای خویش آگاه کنیم، و پس از آن راهی را پیش روی او بگذاریم به گونه‌ای که دیگر آن را تکرار نکند. تنبیه در تربیت اسلامی اولین راه نیست، بلکه در مرحله آخر و پس از روشهای دیگر قرار می‌گیرد. در تأیید این امر می‌توان به روایتی اشاره کرد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب نسبت به عصیان اهل و خانواده‌اش، سه مرتبه فرمودند: آنها را ببخش و عفو کن و در مرتبه چهارم فرمودند: اگر تنبیه کردی به اندازه جرم و گناه، او را تنبیه کن (هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۱۰۶).

## ۷ - تربیت از طریق عادت دادن

از نظر امام علی(ع) یکی از روشهای تربیت عادت دادن است. عادت در یادگیری نقش عمده‌ای دارد. وقتی رفتار به صورت عادت درآید، مانند عمل فطری و غریزی می‌شود. حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «الْعَادَةُ طَبْعُ ثَانٍ»: «عادت سرشت و طبیعت دوم انسان است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۷: ۲۸۳).

امام علی(ع) در جای دیگری می‌فرماید: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»: «اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای؛ زیرا اندک کسی که خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان به شمار نیاید» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷: ۶۷۲)؛ هم‌چنین در جای دیگری می‌فرماید: «وَعَوِّذُ نَفْسِكَ الصَّبْرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ»: «خود را برای استقامت برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق عادت پیسنیده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۰)؛ و باز می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا»: «ای مردم کار تربیت خود را بر عهده گیرید و نفس را از عاداتهایی که به آن حرص دارد، بازگردانید» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۹: ۷۱۴).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی(ع) تربیت از طریق عادت دادن است. تمرین و ممارست، مقدمه عادت کردن و ملکه شدن هنر یا خویی در انسان است. مهمترین کار تربیت ایجاد عادت مطلوب است؛ عادت‌هایی که در اثر تمرین و ممارست به وجود آید و در سایه آن دشواری‌های زندگی آسان گردد. عادت باعث می‌شود که متربی به صورت ناخودآگاه بر دشواریها غلبه کند؛ مشکلات به نظرش حل و آسان آید و نیز از طریق عادت می‌توان افراد را در برابر ناهنجاریها مقاوم ساخت.

## ۸ - تربیت از طریق امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه امام علی(ع) یکی از روشهای تربیت، امر به معروف و نهی از منکر است که برای تشویق و ترغیب افراد به کار خیر و امر مطلوب و یا منع و نهی از کار ناپسند به کار می‌رود. در قرآن کریم ملاک برتری مسلمانان را امر به معروف و نهی از منکر می‌شمارد و می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»: «شما نیکوترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به نیکوکاری وادار می‌کنید و از بدکاری بازمی‌دارید» (آل عمران/۱۱۰). امام



علی (ع) در این باره در نامه خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَانْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَبِلِسَانِكَ وَبِأَيْنٍ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ»: «به نیکیها امر کن و خود نیکوکار باش و با دست و زبان بدیها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۰).

آن حضرت در وصیت خود به فرزندانش می‌فرماید: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلِّي عَلَيْكُمْ أَشْرَارَكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ»: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هرچه خدا را بخوانید جواب ندهد!» (نهج البلاغه، نامه ۴۷: ۵۵۸). البته نکته مهم در نظام تربیتی اسلام این است که امر به معروف و نهی از منکر باید خود عامل به معروف و تارک منکر باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»: «چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید» (بقره/۴۴).

امام علی (ع) می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ»: «نفرین بر آنان که امر به معروف، و خود ترک می‌کنند، و نهی از منکر می‌کنند و خود مرتکب آن می‌شوند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹: ۲۴۶).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) تربیت از طریق امر به معروف و نهی از منکر است.

#### ۹ - تربیت از طریق دعا و نیایش

از دیدگاه امام علی (ع) یکی از روشهای تربیت انسان، دعا و نیایش است. دعا و نیایش را می‌توان، گرایش روح به مبدأ هستی دانست. امام علی (ع) در نامه خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: «وَإِذَا تَسَاءَلْتُمْ لِئِمَّا تُعْطِيكُمْ»: «بدان خدایی که گنجهای آسمان و زمین در دست او است به تو اجازه درخواست داده و اجابت آن را به عهده گرفته است؛ تو را فرمان داده است که از او بخواهی تا عطا کند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۸).

در همین زمینه امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «إِذَا بَلَغَ الْعَلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ قُلٌّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَعِشْرُونَ يَوْمًا يُقَالُ لَهُ قُلٌّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَيَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلٌّ سَبْعَ مَرَّاتٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ - ثُمَّ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ

وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْبِثْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلُّ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمَ الْوُضُوءِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهِ وَ أُمِرَ بِالصَّلَاةِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ عَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: «چون پسر به سه سالگی رسید، باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو (لا إله إلا الله)؛ سپس رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود؛ سپس باید به او بگویند هفت مرتبه بگو (محمد رسول الله) و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود؛ آن گاه باید به او بگویند هفت مرتبه بگو (صلی الله علی محمد و آله)؛ سپس رهایش کنند تا پنج سال او تمام شود؛ آن گاه از او بپرسند دست چپ و راست کدام است. اگر شناخت، باید صورتش را به سمت قبله برگرداند و به او بگویند سجده کن؛ سپس، رهایش کنند تا هفت سال او تمام شود؛ پس وقتی هفت سال او تمام شد، باید به او بگویند: صورت و دو دستت را بشوی. وقتی آن دو را شُست، باید به او بگویند نماز بخوان؛ سپس، رهایش کنند تا نه سال او تمام شود. وقتی تمام شد، وضو به او یاد داده، و بر (ترک) آن، تنبیه، و به نماز، امر، و بر (ترک) آن، تنبیه شود. وقتی وضو و نماز را فرا گرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می آمرزد؛ إن شاء الله» (ابن بابویه، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۸۱، ح ۸۶۳).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) تربیت از طریق دعا و نیایش است. شهید مطهری در این زمینه بیان می کند: «اگر انسان علاقه مند به تربیت خودش و فرزندانش به تربیت اسلامی است و یا می خواهد افرادی را تربیت کند، واقعاً باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت بدهد. اصلاً مسئله عبادت، قطع نظر از اینکه پرورش یک حس اصیل است، تأثیر زیادی در سایر نواحی انسان دارد. این است که بزرگان همیشه توصیه می کنند هر مقدار کار زیاد داری در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار. این یک ساعت با اینکه برای خودت است، ضرورت دارد و لازم است و آن ساعتهایی که برای غیر خودت است (با اینکه مفید و لازم است)، جای آن را پر نمی کند. حالا یک ساعت که می گویند حداقل است. یک ساعت یا بیشتر در شبانه روز را انسان واقعاً برای خودش بگذارد؛ یعنی در آن لحظات برگردد به خودش. خودش را هر چه هست از خارج ببرد؛ به درون خودش و به خدای خودش بازگردد و در آن حال فقط و فقط او باشد و خدای خودش و راز و نیاز کردن و مناجات با خدای خودش و استغفار کردن. خود استغفار یعنی محاسبه نفس کردن، حساب کشیدن از خود» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

## ۱۰ - تربیت از طریق استفاده از مثل

از دیدگاه امام علی (ع) یکی از روشهای تربیت استفاده از ضرب المثل است. مثل، بیان یک موضوع به صورت دیگری است به نوعی که میان آن دو شباهت باشد و با ذکر آن موضوع روشن تر می شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۶۲) مثل از تلخی پند می کاهد و با الفاظ کم، معانی بسیاری را می رساند و با زبانی محسوس و قابل لمس، مسائل پیچیده را مطرح می سازد.

قرآن از مثل برای بیان حقایق و روشن نمودن مفاهیم استفاده کرده است. از آنجا که قرآن نازل شده است تا انسان را تربیت کند و عقول را از آمیختگی به محسوسات و تخیلات به درک معقولات و حقایق برساند، بیشتر آیات، مثل یا همانند مثل است. امام علی (ع) می فرماید: «فَقَدْ جَرَّبْتُمُ الْأُمُورَ وَ ضَرَسْتُمُوهَا وَ وَعِظْتُم بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ ضَرَبْتِ الْأَمْثَالَ لَكُمْ»: «پس شما در امور و حوادث روزگار تجربه آموختید و از تاریخ گذشتگان پند گرفتید؛ مثلها برای شما زده اند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶: ۳۳۶). امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه به امام حسن (ع) می فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَ حَالِهَا وَ زَوَالِهَا وَ انْتِقَالِهَا وَ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا أُعِدُّ لَأَهْلِهَا فِيهَا وَ ضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ لِتَعْتَبِرَ بِهَا وَ تَحْذُوَ عَلَيْهَا»: «ای پسر! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش، و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسانها در آنجا فراهم است، اطلاع دادم و برای هر دو مثالها زدم تا پندپذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۶).

با توجه به این توضیحات یکی از روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) تربیت با استفاده از مثل است.

## بحث و نتیجه گیری

در این قسمت نتایج تحلیل داده های پژوهش در مورد هر یک از سؤالیهای پژوهش ارائه می شود و سپس با یافته های پژوهشهای مشابه داخلی و خارجی مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد.

سؤال ۱) روشهای تربیت در اندیشه امام علی (ع) کدام است؟

تحلیل منابع محتوای اندیشه های تربیتی امام علی (ع) نشان داد که ده روش تربیتی در اندیشه

امام علی(ع) شامل روشهای تربیت از طریق الگوسازی، تربیت از طریق محبت، تربیت از طریق امریه معروف و نهی، تربیت از طریق پند و اندرز، تربیت از طریق داستان، تربیت از طریق عادت دادن، تربیت از طریق تشویق، تربیت از طریق تنبیه، تربیت از طریق استفاده از مثل، و تربیت از طریق دعا و نیایش، شناسایی شد.

مقایسه نتایج و یافته‌های این تحقیق با نتایج و یافته‌های پژوهشهای پیشین نشان داد که روش تربیت از طریق الگوسازی با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ رضانی، ۱۳۹۱؛ اناری نژاد، ۱۳۸۶؛ سلطانی رنانی، ۱۳۸۷) همخوانی دارد. همچنین روش تربیت از طریق محبت با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ سلطانی رنانی، ۱۳۸۷) و روش تربیت از طریق امریه معروف و نهی از منکر نیز با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹) همخوانی دارد. تربیت از طریق پند و اندرز با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹؛ اناری نژاد، ۱۳۸۶؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷؛ سلطانی رنانی، ۱۳۸۷) و نیز تربیت از طریق داستان با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴) همخوانی دارد. تربیت از طریق عادت دادن با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹)، و نیز تربیت از طریق تشویق با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹؛ رضانی، ۱۳۹۱؛ اناری نژاد، ۱۳۸۶؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷؛ سلطانی رنانی، ۱۳۸۷) همخوانی دارد. تربیت از طریق تنبیه با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹؛ رضانی، ۱۳۹۱؛ اناری نژاد، ۱۳۸۶؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷؛ سلطانی رنانی، ۱۳۸۷)، و تربیت از طریق استفاده از مثل با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹) همخوانی دارد و نیز تربیت از طریق دعا و نیایش با نتایج و یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴؛ فولادگر، ۱۳۷۹) و تربیت از طریق جهاد با نتایج و یافته‌های (فولادگر، ۱۳۷۹) همخوانی دارد.

سؤال ۲) روشهای تربیتی مناسب در اندیشه امام علی(ع) برای کودک تا هفت سال کدام است؟

مبنای نظری این تحقیق، حدیثی نبوی است که در آن پیامبر اکرم(ص) سه دوره سنی متفاوت را برای تربیت مطرح، و می‌فرمایند: «قال رسول الله(ص): الولدُ سیدٌ سبعِ سنينَ و عبْدٌ سبعِ سنينَ و وزیرٌ سبعِ سنينَ» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۹۵): «فرزند، هفت سال مولی، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است». این حدیث هرچند به ظاهر کوتاه، گنجینه‌ای ارزشمند از آموزه‌های الهی و دستورالعمل اساسی تربیت کودکان، و بیانگر این است که افراد در هر یک از این مقاطع سنی، ویژگیهای

روحي و رواني خاصي دارند كه والدين، مربيان و تمام اندركاران تعليم و تربيت بايد در انتخاب روشهاي تربيتي مناسب به ويژگيهاي روحي و رواني هر يك از اين مقاطع توجه لازم را بكنند؛ لذا در اين پژوهش با توجه به ويژگيهاي روحي و رواني خاص اين سن به بررسي روشهاي تربيت کودک تا هفت سالگي پرداخته شد.

با توجه به ويژگيهاي روحي و رواني کودک در اين مقطع سني، همه روشهاي تربيت در اين سن کاربرد ندارد و روشهاي تربيتي براي کودک تا هفت سالگي در اندیشه امام علي (ع) شامل روشهاي تربيت از طريق الگوسازي، تربيت از طريق محبت، تربيت از طريق امر به معروف و نهی از منکر، تربيت از طريق پند و اندرز، تربيت از طريق داستان، تربيت از طريق عادت دادن، تربيت از طريق تشويق، تربيت از طريق تنبيه، تربيت از طريق استفاده از مثل و تربيت از طريق دعا و نيايش شناسايي شد.

### منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. چ هفتم. قم: نشر مشرقین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۰). من لایحضره الفقیه. چ دوم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابوطالبي، مهدی (۱۳۸۶). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). چ دوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- احمدی، احمد (۱۳۸۴). اصول و روشهای تربیت در اسلام. چ پنجم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- اعرافى، علیرضا؛ موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی. ۷ (۱۴): ۲۸ - ۷.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۱). اسلام و تعلیم و تربیت. چ پنجم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- اناری نژاد، عباس (۱۳۸۶). تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه. تربیت اسلامی. س دوم. ش ۴: ۱۹۰ - ۱۶۳.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ویرایش دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- بانکی پور فرد، امیرحسین؛ قماشچی، احمد (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای. ج ۱. تهران: نشر تربیت اسلامی.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۸). روشهای تربیت معنوی. خُلُق. ش ۱۴: ۲۴.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). قصه دینی. فصلنامه سینمایی فارابی. ش ۲۱: ۲۱ - ۴.
- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). مبانی هنری قصه‌های قرآن. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵). والدین و فرزندان. چ سوم. قم: انتشارات مهدی نراقی.
- خوانساری، جمال (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و درر الکلم. چ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). مشرب مهر: روشهای تربیت در نهج البلاغه. چ سوم. تهران: انتشارات دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). مزرع مهر: موانع و مقتضیات تربیت در نهج البلاغه. چ دوم. تهران: انتشارات دریا.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: انتشارات مرتضوی.
- رضایت، غلامحسین (۱۳۹۲). نظام تربیتی مراکز آموزش عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. بی‌جا
- رمضانی، فاطمه (۱۳۹۱). روشهای تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. س نهم. دوره دوم. ش ۶: ۱۹ - ۱.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). داستان بهترین وسیله برای تربیت مذهبی کودکان. بازیابی از سایت خبرگزاری کتاب ایران، به تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۹۴ و به آدرس <http://www.ibna.ir>
- سلطانی رنانی، مهدی. (۱۳۸۷). روشهای تربیتی در پرتو نهج البلاغه. بازیابی از پایگاه اندیشوران به آدرس [www.andishvaran.ir](http://www.andishvaran.ir)
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۸). تربیت کودک. چ سوم. قم: انتشارات لیل‌القدر.
- فولادگر، محمد (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت در نهج البلاغه. اصفهان: انتشارات دارالتعلیم القرآن الکریم اصفهان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). بحارالانوار. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). داستان راستان. چ سی‌ام. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت در اسلام. چ پنجاهم. تهران: انتشارات صدرا.
- هیثمی، علی بن ابوبکر (۱۳۸۰). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

